



استراتژی قدرت هوشمند سیاست خارجی آمریکا در آفریقا: تأثیر قانون رشد و فرصت‌های آفریقا (AGOA) بر توسعه تجاری و سرمایه‌گذاری در کشورهای جنوب صحرای آفریقا

مهدی کاردوست^۱

درجه مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵
^۱. دکترای علوم سیاسی از دانشگاه پنجاب لاهور، پاکستان mkardoust@yahoo.com

چکیده

آفریقا در دو دهه‌ی اخیر به یکی از میدان‌های اصلی رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی بدل شده و سیاست‌های اقتصادی و تجاری به ابزاری کلیدی برای اعمال نفوذ ژئوپلیتیکی در این قاره تبدیل شده‌اند. در این میان، ایالات متحده با بهره‌گیری از سیاست‌های تجاری نظیر قانون رشد و فرصت آفریقا (AGOA) تلاش کرده است جایگاه خود را در برابر رقبایی چون چین و هند تثبیت کند. این مقاله با رویکرد انتقادی به بررسی تأثیر سیاست‌های اقتصادی و تجاری آمریکا، به ویژه آگوا، بر توسعه تجاری و سرمایه‌گذاری در کشورهای جنوب صحرای آفریقا می‌پردازد. هدف پژوهش، تحلیل نقش آگوا به عنوان ابزاری از سیاست خارجی اقتصادی آمریکا و ارزیابی دستاوردها و محدودیت‌های آن در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ است. چارچوب نظری پژوهش بر مبنای نظریه لیبرالیسم نهادگرا در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و روش تحقیق شامل تحلیل اسنادی، بررسی داده‌های سازمان‌های بین‌المللی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که گرچه آگوا زمینه‌ای برای افزایش صادرات غیرنفتی و جذب سرمایه‌گذاری، به ویژه در کشورهای کینا و ایتوپی فراهم کرده است، این موفقیت‌ها غالباً مقطعی و وابسته به شرایط ژئوپلیتیکی و سیاست‌های واشنگتن بوده‌اند. رقابت فزاینده با چین و هند و تمرکز آمریکا بر تأمین منابع و منافع اقتصادی خود، مانع بهره‌برداری کامل آفریقا از ظرفیت‌های تجاری و صنعتی شده است. در نتیجه، آگوا بیش از آنکه ابزاری برای توسعه پایدار اقتصادی آفریقا باشد، نقش چارچوبی برای بازتولید وابستگی اقتصادی و کنترل منابع این قاره را ایفا کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که کارآمدی آگوا، اگرچه در افزایش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری آمریکا با آفریقا تاحدی مؤثر بوده، اما از نظر توسعه صنعتی مستقل و کاهش وابستگی کشورهای آفریقایی، محدود و تحت تأثیر اهداف ژئوپلیتیکی آمریکا است.

• واژگان کلیدی

قانون آگوا- پیوند توسعه و امنیت- استراتژی قدرت هوشمند- شکاف‌های ظرفیت نهادی.

مقدمه

آفریقا برای مدت طولانی نقش بازیگری حاشیه‌ای در سیاست خارجی ایالات متحده ایفا کرده است. حضور واشنگتن در این قاره مراحل متعددی را پشت سر گذاشته که منعکس‌کننده تغییر اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا و تحولات ژئوپلیتیک جهانی است. در طول جنگ سرد، ایالات متحده عمدتاً با هدف مقابله با نفوذ شوروی وارد عرصه آفریقا شد و بدون ایجاد اتحادهای دفاعی پایدار، سیاست‌های خود را پیش برد. پس از پایان جنگ سرد، دوره‌ای از بی‌علاقگی نسبی آمریکا نسبت به آفریقا آغاز شد؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۹۵، پنتاگون منافع آمریکا در جنوب صحرای آفریقا را «حداقل» ارزیابی کرد.

از آن زمان، تعامل ایالات متحده با آفریقا چندبعدی شده و جنبه‌های نظامی، امنیتی، اقتصادی و توسعه‌ای را شامل می‌شود. با این حال، تغییر اولویت‌ها و پراکندگی رویکردها، همواره انسجام و ثبات سیاست خارجی آمریکا در قاره آفریقا را تحت‌الشعاع قرار داده است. در این چارچوب، روابط اقتصادی از طریق ابزارهایی نظیر قانون رشد و فرصت آفریقا (AGOA) مورد توجه قرار گرفته است.

آگوا که در سال ۲۰۰۰ توسط دولت بیل کلینتون تصویب شد و تمدید آن تا سال ۲۰۲۵، به‌عنوان نقطه عطفی در روابط تجاری میان ایالات متحده و کشورهای جنوب صحرای آفریقا معرفی شد. این قانون دسترسی ترجیحی بدون تعرفه به بازار آمریکا را برای بیش از ۱۸۰۰ محصول آفریقایی فراهم کرده و هدف آن افزایش تجارت و جذب سرمایه‌گذاری بوده است. با این وجود، بررسی‌های انتقادی نشان می‌دهد که اثرگذاری آگوا محدود بوده و این محدودیت‌ها ناشی از چند عامل است: تمرکز آمریکا بر تأمین منافع اقتصادی و منابع طبیعی خود، رقابت فزاینده با قدرت‌هایی چون چین و هند، و ضعف ساختاری و نهادی در کشورهای آفریقایی (Schraeder, 1994).

به این ترتیب، کارآمدی آگوا نه تنها به ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی کشورهای جنوب صحرای آفریقا وابسته است، بلکه تحت تأثیر اهداف ژئوپلیتیکی و استراتژی‌های پشت‌پرده ایالات متحده نیز قرار دارد. بررسی جامع این سیاست، نیازمند تحلیل چندبعدی جنبه‌های اقتصادی، نهادی و ژئوپلیتیکی است.

این پژوهش به این پرسش اصلی می‌پردازد که آگوا چگونه بر توسعه تجاری و جذب سرمایه‌گذاری در کشورهای جنوب صحرای آفریقا تأثیر گذاشته و این تأثیرات چگونه در

مواجهه با موانع ساختاری و رقابت‌های ژئوپلیتیکی استمرار یافته‌اند؟ به طور خاص، بررسی می‌شود که سیاست‌های اقتصادی و تجاری ایالات متحده از طریق آگوا تا چه اندازه توانسته‌اند به تنوع صادراتی و توسعه پایدار اقتصادی در آفریقا کمک کنند، و آیا این سیاست‌ها بیشتر نقش ابزاری برای بازتولید وابستگی اقتصادی و تحقق اهداف ژئوپلیتیکی آمریکا داشته‌اند یا خیر.

فرضیه پژوهش این است که سیاست‌های اقتصادی و تجاری ایالات متحده تحت آگوا نتوانسته‌اند منجر به افزایش چشمگیر تنوع صادراتی کشورهای جنوب صحرای آفریقا شوند و دستاوردهای محدود آن عمدتاً وابسته به شرایط موقتی و منافع کوتاه‌مدت واشنگتن بوده است. نوآوری پژوهش حاضر اولاً، ترکیب چارچوب نظری لیبرالیسم نهادی و تحلیل داده‌های پنج کشور منتخب، برای سنجش اثربخشی آگوا بر تنوع صادراتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت کمی و کیفی است.

ثانیاً، این پژوهش برای نخستین بار همبستگی میان سیاست‌های اقتصادی آمریکا، رقابت ژئوپلیتیکی با قدرت‌های نوظهور (چین و هند) و ظرفیت‌های توسعه‌ای آفریقا را به طور همزمان مورد بررسی قرار داده است. این تحلیل چندبعدی، فراتر از بررسی صرف صادرات یا سرمایه‌گذاری، نشان می‌دهد که موفقیت سیاست‌های آمریکا در آفریقا تابع تعادل هوشمندانه میان اهداف امنیتی، اقتصادی و نهادی آمریکا است و نه توسعه مستقل کشورهای آفریقایی.

ثالثاً، پژوهش حاضر شواهد تجربی از تأثیر هماهنگی آگوا با سازوکارهای منطقه‌ای مانند AfCFTA و Prosper Africa ارائه می‌دهد. در نهایت، این مطالعه با ارائه شاخص‌های نوآورانه برای سنجش تأثیر آگوا بر پنج کشور منتخب و نشان دادن نحوه تعامل آن با محدودیت‌های ساختاری و رقابت‌های جهانی، به گسترش دانش علمی در حوزه روابط اقتصادی و دیپلماسی تجاری آمریکا-آفریقا کمک کرده و نشان می‌دهد که سیاست‌های آمریکا بیشتر در خدمت تداوم وابستگی و تأمین منافع راهبردی خود است تا توسعه واقعی کشورهای آفریقایی.

ادبیات پژوهش

مطالعات مؤسسه بروکینگز (۲۰۲۱) و مرکز مطالعات استراتژیک آفریقا (۲۰۲۴) نشان داده‌اند که قانون رشد و فرصت آفریقا (AGOA) توانسته است صادرات غیرنفتی در کشورهایی مانند کنیا و آفریقای جنوبی افزایش یابد، اما در کاهش وابستگی به کالاهای اولیه در کشورهای نفت‌خیز، از جمله نیجریه، اثر چندانی نداشته است. به این ترتیب، آگوا گرچه از منظر دسترسی

ترجیحی به بازار آمریکا موفقیت‌هایی محدود داشته است، اما نتوانسته است ساختار اقتصادی وابسته و تک‌محصولی این کشورها را دگرگون کند.

بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۲۳)، سهم آگوا تنها حدود ۳ درصد از کل تجارت آفریقا را تشکیل می‌دهد و محدودیت‌های زیرساختی، هزینه‌های بالای حمل‌ونقل و ضعف ظرفیت‌های لجستیکی مانع بهره‌برداری کامل از مزایای این قانون شده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که آگوا به تنهایی نمی‌تواند محرک توسعه پایدار باشد و بدون اصلاح ساختارهای نهادی و لجستیکی، تأثیر اقتصادی آن محدود باقی می‌ماند.

تحلیل‌های تطبیقی نیز نشان می‌دهند که رقابت ژئوپلیتیکی میان آمریکا و چین نقش مهمی در اثرگذاری آگوا دارد. به گفته مرکز مطالعات تجارت آفریقا (CARI, 2023)، پروژه‌های زیرساختی چین در چارچوب کمربند و جاده، جذابیت بیشتری برای کشورهای آفریقایی داشته و در برخی موارد جایگزینی برای مزایای آگوا شده‌اند. این واقعیت نشان می‌دهد که سیاست آمریکا با انگیزه‌های ژئوپلیتیکی تدوین شده و منافع اقتصادی واقعی کشورهای آفریقایی در اولویت دوم قرار دارد.

مطالعات منطقه‌ای نیز حاکی از آن است که اثربخشی آگوا در کشورهایی با ثبات سیاسی نسبی بیشتر بوده و در کشورهایی که دارای ناپایداری سیاسی یا سیاست‌های متضاد با آمریکا هستند، کمتر قابل بهره‌برداری بوده است. (AERC, 2022) این نکته بر اهمیت تحلیل دقیق رابطه میان سیاست‌های تجاری، کیفیت روابط سیاسی و ظرفیت اجرایی کشورها تأکید دارد و نشان می‌دهد که آگوا بیشتر ابزاری برای تشویق انطباق سیاسی با واشنگتن بوده تا یک سیاست توسعه مستقل.

ابعاد سیاسی آگوا نیز نقش مهمی در بهره‌برداری اقتصادی داشته‌اند. پژوهش‌های کارنگی و بروکینگز نشان می‌دهند که شروط مربوط به حکمرانی و رعایت حقوق بشر در تعیین واجد شرایط بودن کشورها تأثیر مستقیم داشته و حذف برخی کشورها از آگوا آثار اقتصادی قابل توجهی بر صادرات و رشد صنعتی آنها داشته است. (Carnegie, 2022; Brookings, 2021) این شرایط به‌نوعی نشان‌دهنده فشار سیاسی و استفاده از ابزار اقتصادی به عنوان اهرم نفوذ آمریکا در آفریقا است.

مطالعات ایرانی مانند گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۲۰۲۲) نیز تأکید دارند که آگوا بیشتر به عنوان ابزاری برای مقابله با نفوذ چین و تقویت حضور شرکت‌های چندملیتی آمریکایی در آفریقا عمل کرده است، نه به عنوان سیاستی مستقل برای توسعه اقتصادی کشورهای آفریقایی.

با وجود این پژوهش‌ها، سه شکاف اصلی در ادبیات وجود دارد:

۱. تعامل آگوا با سازوکارهای نوین قاره‌ای: تحلیل کمی و کیفی در مورد تعامل آگوا با توافقنامه تجارت آزاد آفریقا (AfCFTA) و تأثیر آن بر استراتژی‌های توسعه صنعتی کشورهای آفریقایی محدود است. شواهد اولیه نشان می‌دهند که AfCFTA می‌تواند فرصت‌های صادرات داخلی را افزایش دهد و در نتیجه اثرگذاری آگوا را تقویت یا محدود کند. (UNECA, 2023)

۲. تحلیل همزمان تجارت، امنیت و حکمرانی: بررسی اثر مزایای تجاری آگوا همراه با اقدامات امنیتی و سیاست‌های حکمرانی مرتبط با نهادهای توسعه‌ای آمریکا، به ویژه در کشورهای با ظرفیت محدود، هنوز به صورت سیستماتیک انجام نشده است. برخی شواهد نشان می‌دهند که کشورهایی با نهادهای ضعیف، علی‌رغم دسترسی به مزایای تجاری، نتوانسته‌اند از این فرصت‌ها برای توسعه پایدار صنعتی بهره‌برداری کنند. (World Bank, 2023) این امر نشان می‌دهد که آگوا نمی‌تواند به تنهایی محرک توسعه باشد و کارآمدی آن به توان نهادی و اقتضانات محلی وابسته است.

۳. رقابت چندجانبه و اثر آن بر بهره‌وری: تحلیل تأثیر پروژه‌های سرمایه‌گذاری و زیرساختی چین، هند و اتحادیه اروپا و تعامل آن با مزایای آگوا محدود است. شواهد اولیه نشان می‌دهند که رقابت چندجانبه می‌تواند هم‌انگیزه‌ای برای بهره‌برداری مؤثر از آگوا ایجاد کند و هم موجب محدودیت در بازارها و تمرکز بر صنایع کم‌ارزش شود. (CARI, 2023; UNCTAD, 2022)

بر اساس این شکاف‌ها، پژوهش حاضر با رویکرد انتقادی به سیاست‌های تجاری و نهادهای توسعه‌ای آمریکا، قصد دارد نقش آگوا را نه تنها از منظر تجارت ترجیحی، بلکه در تعامل با امنیت، حکمرانی و رقابت ژئوپلیتیکی تحلیل کند. این رویکرد امکان ارائه تحلیلی واقع‌گرایانه و انتقادی از شرایط بهره‌برداری واقعی کشورهای آفریقایی از مزایای آگوا را فراهم می‌آورد و شکاف‌های موجود در ادبیات پژوهشی را پوشش می‌دهد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر رویکرد لیبرالیسم نهادگرا در اقتصاد سیاسی بین‌الملل مبتنی است. این رویکرد بر اهمیت نهادها، قواعد بین‌المللی و سیاست‌های تجاری هدفمند در هدایت

تجارت و توسعه اقتصادی تأکید دارد و معتقد است که بازار آزاد بدون حمایت نهادهای مؤثر و سیاست‌های هماهنگ اقتصادی، قادر به تضمین رشد پایدار نیست (Rath, 2010; Norman, 2015). با وجود این، از دیدگاه انتقادی، لیبرالیسم نهادگرا نمی‌تواند همواره اختلافات قدرت میان کشورها را نادیده بگیرد؛ در عمل، نهادها و قواعد بین‌المللی اغلب بازتاب‌دهنده منافع کشورهای قدرتمند هستند و نه الزامات توسعه‌ای کشورهای با ظرفیت محدود.

لیبرالیسم نهادگرا، با تأکید بر نقش نهادها، قراردادهای قانونی، نشان می‌دهد که همکاری میان کشورها و ثبات در روابط اقتصادی می‌تواند از طریق کاهش عدم اطمینان، کاهش هزینه‌های تراکنش و ایجاد اعتماد میان بازیگران بین‌المللی محقق شود (Rath, 2010). اما از منظر انتقادی، این ثبات اقتصادی و اعتماد غالباً یک‌جانبه و در خدمت سیاست‌های استراتژیک کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده است؛ به‌ویژه زمانی که ابزارهایی مانند آگوا برای نفوذ اقتصادی و سیاسی در آفریقا طراحی می‌شوند، نه صرفاً برای ارتقای توسعه پایدار کشورهای میزبان.

یکی از مفاهیم مکمل در این چارچوب، قدرت نرم اقتصادی است. این مفهوم به توانایی کشورها در تأثیرگذاری بر دیگر کشورها از طریق ابزارهای غیرنظامی مبتنی بر جذابیت اقتصادی، فرهنگی و سیاست‌های تشویقی اطلاق می‌شود (Nye, 2004). با وجود مزایای تئوریک، از دیدگاه انتقادی، قدرت نرم اقتصادی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تحمیل روابط نابرابر عمل کند؛ دسترسی ترجیحی به بازار و سیاست‌های تشویقی سرمایه‌گذاری، به ویژه زمانی که با شرایط سیاسی و حکمرانی مرتبط می‌شوند، اغلب منافع اقتصادی واقعی کشورهای میزبان را محدود کرده و وابستگی به کشورهای قدرتمند را افزایش می‌دهد.

همچنین، نظریه‌های توسعه اقتصادی در چارچوب لیبرالیسم نهادگرا نشان می‌دهند که ثبات سیاسی، کیفیت نهادها، شفافیت و توانمندی اجرایی دولت‌ها نقش اساسی در بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری بین‌المللی و توسعه اقتصادی پایدار دارند (Acemoglu & Robinson, 2012). از منظر انتقادی، این نگاه می‌تواند کشورهای را که دارای نهادهای ضعیف یا درگیر رقابت‌های ژئوپلیتیکی هستند، به‌عنوان «فاقد ظرفیت» معرفی کند، در حالی که محدودیت‌های ساختاری و نفوذ خارجی (مانند رقابت آمریکا و چین) نقش مهمی در محدودیت‌های توسعه‌ای آن‌ها ایفا می‌کند.

بنابراین، این چارچوب نظری، ضمن تبیین اهمیت نهادها و سیاست‌های هدفمند، باید محدودیت‌ها و نابرابری‌های ذاتی روابط اقتصادی بین‌المللی را نیز در نظر بگیرد. این رویکرد

امکان تحلیل سیاست‌هایی مانند آگوا را نه تنها از منظر اقتصادی، بلکه در چارچوب قدرت، نفوذ سیاسی و رقابت ژئوپلیتیکی فراهم می‌آورد و دیدگاهی انتقادی برای ارزیابی اثرات واقعی این سیاست‌ها بر کشورهای جنوب صحرای آفریقا ارائه می‌کند.

زمینه تاریخی و ژئوپلیتیکی: روابط ایالات متحده و آفریقا در جنگ سرد و پس از آن
روابط ایالات متحده با آفریقا در طول تاریخ، غالباً نوسانی و تابع منافع کوتاه‌مدت و اشنگتن بوده است، که نشان‌دهنده عدم تعهد واقعی و بلندمدت آمریکا به توسعه پایدار قاره آفریقا است. هرچند آفریقا هرگز به‌طور کامل از نگاه دیپلماتیک آمریکا کنار گذاشته نشده، اما معمولاً در حاشیه سیاست خارجی این کشور قرار داشته و توجه آمریکا عمدتاً مبتنی بر رقابت‌های ژئوپلیتیکی با قدرت‌های رقیب بوده است. (Aicardi de Saint Paul, 1994)

تا دهه ۱۹۸۰، سیاست آفریقایی آمریکا تحت تأثیر جنگ سرد شکل گرفت و هدف اصلی آن مهار نفوذ شوروی در قاره بود. این سیاست مقابله‌ای و موردی، نشان‌دهنده اولویت‌های استراتژیک ایالات متحده بر منافع خود به جای توسعه آفریقا بود. برخلاف اروپا و آسیا، آمریکا هیچ اتحاد دفاعی یا تعهد بلندمدتی با کشورهای آفریقایی ایجاد نکرد و حضور نظامی و دیپلماتیک آن محدود و پراکنده باقی ماند. (Cairn, 2011) حتی اقدامات بشردوستانه پس از فروپاشی شوروی، بیشتر جنبه نمادین داشت و فاقد چشم‌انداز استراتژیک واقعی بود.

با وقوع حملات تروریستی به سفارت‌های آمریکا در تانزانیا و کنیا و بحران‌هایی مانند نبرد موگادیشو، اشنگتن به‌طور ظاهری تعهد خود را در حوزه‌های نظامی، امنیتی و توسعه‌ای افزایش داد. با این حال، از دیدگاه انتقادی، این تعهدات غالباً ابزار حفظ نفوذ و کنترل سیاسی و اقتصادی در آفریقا بوده‌اند، نه صرفاً ارتقای توسعه و ثبات منطقه‌ای. (Schraeder, 1994)

تعامل نظامی آمریکا با آفریقا سابقه تاریخی دارد؛ از جمله مجوز ساخت ناوگان دریایی در سال ۱۷۹۴ برای حفاظت از منافع تجاری در دریای مدیترانه. (Shinn, 2003) با این حال، این حضورها محدود، هدفمند و کوتاه‌مدت بودند که نشان‌دهنده رویکرد غیرمتمرکز و وابسته به منافع فوری و اشنگتن است. پس از جنگ سرد، آفریقا از منظر استراتژیک اهمیت کمتری یافت و عمدتاً به عنوان منطقه‌ای بشردوستانه دیده می‌شد، تا اینکه تهدیدهای تروریستی و حملات ۱۱ سپتامبر، موجب بازتعریف قاره آفریقا به عنوان یکی از جبهه‌های کلیدی «جنگ علیه تروریسم» شد. (Lyman, 2002)

تشکیل فرماندهی نظامی آفریقا (AFRICOM) در سال ۲۰۰۸، نماد اهداف چندبعدی آمریکا در این قاره بود؛ اهدافی که از یک سو شامل امنیت و مقابله با تهدیدها و از سوی دیگر تقویت نفوذ اقتصادی و ژئوپلیتیکی واشنگتن بودند. (Moss, 2011) اهمیت آفریقا به عنوان منبع حیاتی انرژی، به ویژه نفت و گاز، حضور دیپلماتیک و نظامی آمریکا را در کشورهای غنی از منابع مانند نیجریه و گینه استوایی تقویت کرده و امنیت انرژی را به بخشی از امنیت ملی آمریکا تبدیل نمود. (Kansteiner, 2002)

در بعد اقتصادی، سیاست آمریکا با شعار «تجارت، نه کمک» و تصویب قانون آگوا از دوره ریاست جمهوری کلینتون، به طور رسمی توسعه صادرات آفریقا به بازار آمریکا را تسهیل کرد. اما از منظر انتقادی، این سیاست‌ها محدود، موقت و عمدتاً در خدمت نفوذ اقتصادی آمریکا هستند. اقتصادهای آفریقایی همچنان به صادرات مواد خام و کالاهای با ارزش افزوده پایین متکی اند و سیاست‌های تعرفه‌ای و محدودیت‌های تجاری اخیر آمریکا، به تعطیلی کارخانه‌ها و افزایش بیکاری در برخی کشورها مانند لسوتو منجر شده است. (Washington Post, 2025)

همچنین، رقابت ژئوپلیتیکی آمریکا با چین، هند و اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که سیاست‌های آمریکا به ظاهر توسعه‌ای، در واقع ابزاری برای افزایش نفوذ و مهار قدرت‌های نوظهور در قاره آفریقا هستند. سرمایه‌گذاری‌های گسترده چین در زیرساخت‌ها و منابع طبیعی، و کمک‌های توسعه‌ای اتحادیه اروپا، اهمیت قاره را در رقابت جهانی برجسته کرده است. (Council on Foreign Relations, 2025; Financial Times, 2025).

مسائل اقلیمی و انرژی‌های تجدیدپذیر نیز بخشی از رقابت ژئوپلیتیکی هستند، زیرا فناوری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های آمریکا و اروپا در این حوزه‌ها، ضمن حمایت ظاهری از توسعه پایدار، به دنبال تثبیت نفوذ و تقویت وابستگی کشورهای آفریقایی به قدرت‌های غربی می‌باشند. (Carnegie Endowment for International Peace, 2023).

در مجموع، می‌توان گفت حضور آمریکا در آفریقا ترکیبی از اهداف امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی است که با وجود شعارهای توسعه‌ای، غالباً در خدمت حفظ جایگاه واشنگتن در رقابت جهانی و افزایش نفوذ آن در قاره بوده است. این رویکرد چندوجهی نشان‌دهنده تحولی از مرحله عدم تعهد نسبی به تعهد فعال و هدفمند، اما با تضاد بنیادین میان امنیت و توسعه واقعی کشورهای آفریقایی است.

ارتباط نظری میان ژئوپلیتیک و لیبرالیسم

ژئوپلیتیک عمدتاً به موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، امنیت و رقابت قدرت میان دولت‌ها می‌پردازد و معمولاً با دیدگاه‌های واقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل مرتبط است. در مقابل، لیبرالیسم بین‌الملل بر همکاری اقتصادی، تجارت آزاد، نهادهای چندجانبه و قوانین بین‌المللی تأکید دارد و معتقد است که رشد اقتصادی و دموکراسی می‌تواند صلح و ثبات را تقویت کند (Doyle, 1986; Keohane & Nye, 2012).

با این حال، سیاست آمریکا در آفریقا نمونه‌ای روشن از ابزارسازی لیبرالیسم برای اهداف ژئوپلیتیک است: از منظر ژئوپلیتیک، واشنگتن به دنبال کنترل منابع حیاتی، نفوذ امنیتی و رقابت با چین، روسیه و دیگر بازیگران جهانی است، و از منظر لیبرالیستی، از طریق برنامه‌هایی مانند آگوا، Prosper Africa و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به ظاهر تلاش می‌کند روابط اقتصادی و نهادهای باز و دموکراتیک را تقویت کند. از دیدگاه انتقادی، این اقدامات بیشتر ابزار افزایش نفوذ و مشروعیت‌بخشی به حضور آمریکا در منطقه هستند تا تعهد واقعی به توسعه پایدار آفریقا.

از اواخر دهه ۲۰۱۰، حضور بازیگران جدیدی مانند چین، هند، ترکیه و روسیه عرصه سیاست خارجی آمریکا در آفریقا را پیچیده‌تر کرده است. چین به ویژه با پروژه بزرگ «کمربند و جاده» و سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زیرساخت‌ها، نفوذ اقتصادی و تجاری مستقیم خود را افزایش داده و جایگاه آمریکا را در رقابت برای منابع و بازارها تهدید می‌کند (Council on Foreign Relations, 2025). در پاسخ، آمریکا ابتکار «Prosper Africa» را راه‌اندازی کرده و در سال ۲۰۲۲ استراتژی ویژه‌ای برای منطقه جنوب صحرای آفریقا تدوین نمود. محورهای این استراتژی شامل تقویت دسترسی به کانی‌های حیاتی، تضمین انتقال انرژی پایدار، توسعه زیرساخت‌ها و حمایت از جوامع باز و دموکراتیک است (U.S. Department of State, 2022). با این حال، از دیدگاه انتقادی، این اقدامات عمدتاً ابزارهای ژئوپلیتیکی هستند که به جای توسعه متوازن، نفوذ آمریکا را تثبیت می‌کنند. پروژه‌هایی مانند کریدور لوبیتو و تحریم‌های آمریکا علیه شبکه‌های قاچاق مواد معدنی در شرق کنگو، بیشتر کنترل منابع و امنیت زنجیره تأمین آمریکا را هدف گرفته‌اند تا توسعه بومی آفریقا (U.S. Treasury, 2023).

در حوزه تجارت ترجیحی، AGOA که طبق تمدید ۲۰۱۵ تا سپتامبر ۲۰۲۵ معتبر است، واردات آمریکا از آفریقا در ۲۰۲۴ حدود ۲۹٫۱ میلیارد دلار گزارش شده و عمدتاً در چند کشور و بخش متمرکز است. این تمرکز نشان می‌دهد که آگوا بیشتر ابزاری برای افزایش دسترسی آمریکا به منابع و بازارهای منتخب است تا توسعه گسترده اقتصادی آفریقا. تحلیل‌گران معتقدند

که آگوا نیازمند اصلاح و نوسازی برای همسویی با AfCFTA، استانداردهای کانی‌های حیاتی پاک و پایداری است تا مشروعیت اقتصادی و ژئوپلیتیک خود را حفظ کند (U.S. Trade Representative, 2025).

رقابت ژئوپلیتیکی جدید نشان می‌دهد که آگوا بدون ترکیب با پروژه‌های امنیتی و سرمایه‌گذاری زیرساختی، نمی‌تواند کارکرد واقعی در حفظ نفوذ آمریکا داشته باشد. از منظر انتقادی، ترکیب تجارت ترجیحی با استانداردهای شفافیت، پایداری و امنیت زنجیره‌های تأمین، در عمل بیشتر ابزاری برای رقابت با چین و مشروعیت‌بخشی به حضور آمریکا است تا تحقق توسعه مستقل آفریقا. اصلاحات پیشنهادی باید امکان همزیستی با پروژه‌های بریکس و ترتیبات منطقه‌ای را فراهم کنند، اما این همزیستی نیز عمدتاً در چارچوب حفظ برتری و نفوذ آمریکا در بازارها و منابع حیاتی آفریقا صورت می‌گیرد. (BFT Online, 2025; Financial Times, 2025).

سیر تحول واردات ایالات متحده از آفریقا و نقش آگوا

قانون رشد و فرصت آفریقا (AGOA) نقشی محوری در تغییر مشخصات واردات ایالات متحده از آفریقا ایفا کرده است. در دوره‌های نخستین، واردات تحت این قانون عمدتاً متکی بر هیدروکربن‌ها بود، اما با گذشت زمان، تنوع کالاها افزایش یافت و بخش‌هایی مانند کشاورزی، نساجی و معادن سهم بیشتری از صادرات به آمریکا پیدا کردند. (USTR, 2022) اگرچه این تنوع ظاهراً نشان‌دهنده توسعه تجارت آفریقا است، اما هدف اصلی آمریکا همچنان تأمین مواد خام استراتژیک و منابع طبیعی است؛ منابعی که هم از نظر اقتصادی و هم از منظر ژئوپلیتیک برای ایالات متحده اهمیت حیاتی دارند.

به رغم افزایش نسبی تنوع محصولات، فرآورده‌های نفتی هنوز بخش عمده‌ای از صادرات آفریقا به آمریکا را تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۲۲ حدود ۴۵ درصد واردات تحت آگوا مربوط به محصولات نفتی بود و در سال ۲۰۲۳ بیش از ۴۰ میلیارد دلار از مجموع ۹۰۷ میلیارد دلار واردات را نفت خام تشکیل داده است. (USTR, 2023-2024) این داده‌ها نشان می‌دهند که مدل اقتصادی مبتنی بر منابع طبیعی، محور اصلی سیاست آمریکا در آفریقا است و آگوا نقش پوششی برای تداوم این مدل دارد.

با وجود شعارهای توسعه و تحریک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، واقعیت میدانی نشان می‌دهد که آگوا عمدتاً به نفع منافع راهبردی آمریکا عمل می‌کند. سرمایه‌گذاری‌ها محدود و متمرکز بر معدودی از کشورها و بخش‌هایی بوده‌اند که با نیازهای حیاتی آمریکا هم‌خوانی دارند، نه با توسعه صنعتی یا ارتقای ارزش افزوده آفریقا. (USITC, 2020)

چالش‌های ساختاری مانند بی‌ثباتی سیاسی، ضعف زیرساخت‌ها و ناکارآمدی چارچوب‌های قانونی و نظارتی، عملاً به ابزاری برای حفظ وابستگی اقتصادهای آفریقایی تبدیل شده‌اند و مانع از شکل‌گیری صنایع با ارزش افزوده بالا می‌شوند. در نتیجه، حتی با منابع طبیعی غنی و نیروی کار جوان، سهم آفریقا از تولید و تجارت جهانی همچنان محدود است و زمینه بهره‌برداری قدرت‌های خارجی از این قاره فراهم می‌شود. (World Bank, 2023)

آگوا بیش از آنکه ابزاری برای توسعه واقعی آفریقا باشد، بستر تضمین جریان مواد خام حیاتی و محصولات کشاورزی به سمت بازار آمریکا است. ایالات متحده از این قانون به‌عنوان پوششی برای افزایش حجم تجارت بهره می‌گیرد، در حالی که هدف اصلی آن توسعه نفوذ ژئواقتصادی و مهار رقابت سایر قدرت‌ها به ویژه چین و اتحادیه اروپا در آفریقا است.

سیاست توزیع مزایا نیز نابرابر است. بیش از ۸۰ درصد واردات پوشاک آمریکا تحت آگوا به پنج کشور محدود شده است (USITC, 2020) و این تمرکز نشان می‌دهد که واشنگتن تنها کشورهایی را تقویت می‌کند که به تأمین نیازهای بازار خود کمک می‌کنند. تلاش‌های محدود کشورهای آفریقایی برای تدوین استراتژی‌های ملی آگوا تنها ۱۸ کشور موفق به اجرای برنامه شدند) بیشتر نشان‌دهنده محدودیت‌های ساختاری و یک‌سویه بودن سیاست‌های آمریکا است تا ضعف خود کشورها. (USTR, 2016)

کشورهایی مانند آفریقای جنوبی، نیجریه و کنیا بیشترین افزایش صادرات را تجربه کرده‌اند، اما این صادرات نیز عمدتاً در حوزه‌هایی متمرکز است که برای منافع استراتژیک آمریکا حیاتی‌اند: خودرو، فلزات و محصولات کشاورزی از آفریقای جنوبی؛ نفت خام از نیجریه؛ کالاهای کشاورزی و صنایع غذایی از کشورهایی مانند غنا، موریس، مالی، موزامبیک و توگو. (agoa.info, 2023) حتی تسهیلات فنی آگوا، مانند استفاده از مواد اولیه ارزان‌قیمت برای تولید پوشاک، بیشتر زنجیره‌های تأمین ارزان آمریکایی را حفظ کرده تا صنایع بومی آفریقا را تقویت کند. (USITC, 2020)

با وجود دستاوردهای محدود، نابرابری در بهره‌برداری از مزایا، بی‌ثباتی سیاسی و ضعف زیرساختی همچنان مانع شکل‌گیری رشد پایدار در آفریقا هستند. در سطح سیاست خارجی، تغییر دولت‌ها در آمریکا بیشتر به تغییر لحن محدود شده است؛ دولت ترامپ با اعمال تعرفه‌های شدید روی پوشاک لسوتو نشان داد که حمایت از آفریقا صرفاً مشروط به منافع اقتصادی آمریکا است (The Guardian, 2025)، و دولت بایدن با وجود تأکید بر همکاری و توسعه، عملاً همان الگوی نفوذ

و وابسته‌سازی اقتصادی را ادامه می‌دهد. (Washington Post, 2025)

بنابراین، آگوا بیش از آنکه ابزاری برای توانمندسازی آفریقا باشد، ابزاری ژئواقتصادی برای تضمین جریان پایدار منابع طبیعی و محصولات کشاورزی و تقویت نفوذ آمریکا در قاره است و بخشی از رقابت گسترده‌ای میان ایالات متحده و دیگر قدرت‌ها به ویژه چین و اتحادیه اروپا برای کنترل منابع و بازارهای آفریقا به شمار می‌رود.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و محدودیت‌های آگوا

قانون رشد و فرصت آفریقا (AGOA) در ظاهر با هدف جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ایجاد محیطی مساعد برای تجارت طراحی شده است، اما نتایج عملی نشان می‌دهد که این چارچوب بیش از آنکه به توسعه صنایع بومی آفریقا کمک کند، زمینه استمرار وابستگی به منابع خام و بهره‌برداری بیشتر قدرت‌های خارجی را فراهم کرده است.

برای نمونه، در سال ۲۰۲۳ میزان FDI در آفریقای جنوبی به حدود ۹ میلیارد دلار رسید، اما تنها ۱۵ درصد آن به بخش تولید اختصاص یافت. در غنا و کنیا نیز با وجود رشد نسبی سرمایه‌گذاری خارجی، تمرکز اصلی همچنان بر بخش‌های معدنی و استخراج منابع استراتژیک باقی مانده است؛ بخش‌هایی که بیشترین اهمیت راهبردی را برای ایالات متحده دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که آگوا بیشتر به نفع شرکت‌ها و منافع خارجی عمل می‌کند تا توسعه اقتصادی مستقل آفریقا.

گزارش مک‌کنزی (۲۰۲۳) ظرفیت بالقوه بازار آفریقا را تا ۵.۶ تریلیون دلار پیش‌بینی کرده بود، اما ساختارهای ناکارآمد—از جمله بی‌ثباتی سیاسی، ضعف زیرساخت‌ها و چارچوب‌های قانونی محدودکننده—عملاً مانع از شکوفایی این پتانسیل شده‌اند. این ناکارآمدی‌ها نه تنها توسعه صنایع با ارزش افزوده بالا را محدود می‌کنند، بلکه فضای اقتصادی آفریقا را به مکانی برای تأمین منابع ارزان و حفظ زنجیره‌های تأمین خارجی تبدیل کرده‌اند.

در عمل، این شرایط به آمریکا امکان داده است تا با کمترین هزینه و از طریق ابزارهایی مانند آگوا، دسترسی خود را به منابع حیاتی و بازارهای نوظهور آفریقا تثبیت کند. به بیان دیگر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تحت پوشش آگوا، به جای توانمندسازی آفریقا، به ابزاری برای حفظ نفوذ ژئواقتصادی و وابستگی اقتصادی قاره به قدرت‌های خارجی بدل شده است. یکی از مهم‌ترین ناکامی‌های آگوا، تمرکز نامتناسب سرمایه‌گذاری‌ها بر معدودی کشور و بخش‌های معدنی است. تنها ۱۳ درصد سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با این قانون در صنایع تولیدی

قرار دارند، در حالی که این رقم در اتحادیه اروپا بیش از ۴۰ درصد است (U.S. Trade Representative, 2024; Eurostat, 2021). این تفاوت نشان می‌دهد که واشنگتن نه تنها در مسیر توسعه صنایع تبدیلی آفریقا اقدامی مؤثر نکرده، بلکه با تثبیت الگوی صادرات مواد خام، وابستگی قاره به بخش معدن را تداوم بخشیده است.

همزمان، آمریکا سیاست‌های خود را با موضوعات زیست‌محیطی و انرژی گره زده است. تأکید بر «انتقال عادلانه انرژی» و مقابله با تغییرات اقلیمی در ظاهر نشانه‌ای از همگرایی با اهداف جهانی است، اما در عمل دسترسی به «مواد معدنی حیاتی» که برای صنایع استراتژیک آمریکا از جمله انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های پیشرفته ضروری‌اند، در اولویت قرار دارد (Smit, 2021). به این ترتیب، شعارهای محیط‌زیستی پوششی برای تعمیق نفوذ اقتصادی و دسترسی تضمین‌شده به منابع استراتژیک آفریقا تلقی می‌شوند.

سیاست‌های متوازن و استمرار وابستگی

اگرچه دولت بایدن در بیانیه‌های رسمی آفریقا را به عنوان یک شریک استراتژیک معرفی کرده است، اما تمرکز اصلی سیاست خارجی واشنگتن همچنان معطوف به منطقه هند و اقیانوسیه است (Biden White House, 2022; U.S. Department of State, 2022). این امر نشان می‌دهد که آفریقا بیشتر در جایگاه «حاشیه‌ای اما حیاتی» برای تأمین منابع خام و مواد استراتژیک قرار دارد تا شریک برابر در توسعه و تجارت.

در دوران ترامپ نیز با وجود معرفی استراتژی ۲۰۱۸ که به ظاهر بر تقویت روابط اقتصادی، رشد طبقه متوسط آفریقا و مقابله با نفوذ چین و روسیه تأکید داشت (U.S. Department of State, 2018)، هدف اصلی همچنان حفظ دسترسی آمریکا به منابع و مهار رقبا بود. تغییر دولت‌ها عمدتاً در لحن و ابزارهای دیپلماتیک نمود پیدا کرده است، نه در ماهیت سیاست‌های آمریکا نسبت به قاره.

تمرکز جدید واشنگتن بر توسعه بازار دیجیتال، ارتقای مهارت‌های دیجیتال و ایجاد سازوکارهای حاکمیت دیجیتال در آفریقا (White House, 2022) اگرچه می‌تواند ظرفیت‌های بومی را تقویت کند، اما همزمان خطر وابستگی دیجیتال به زیرساخت‌ها و استانداردهای آمریکایی را به همراه دارد. حتی تشکیل شورای مشورتی دیاسپورای آفریقایی (U.S. Department of State, 2022) را می‌توان نه تنها اقدامی اجتماعی-فرهنگی، بلکه بخشی از استراتژی نرم‌قدرت آمریکا برای نفوذ گسترده‌تر در جوامع آفریقایی دانست.

در این چارچوب، آگوا و سیاست‌های مکمل آن بیش از آنکه ابزار توسعه پایدار و تنوع‌بخشی اقتصادی برای آفریقا باشند، وسیله‌ای برای تضمین دسترسی آمریکا به منابع طبیعی، معادن حیاتی و بازارهای نوظهور به شمار می‌روند. با وجود تغییرات در لحن و شعارهای دولت‌های مختلف، ماهیت سیاست‌های آمریکا در قبال آفریقا ثابت مانده است: حفظ وابستگی اقتصادی، کنترل منابع و رقابت با سایر قدرت‌ها.

بررسی موردی کشورهای منتخب بهره‌مند از آگوا

کنیا

پیش از تصویب آگوا، صادرات کنیا به ایالات متحده بسیار محدود و عمدتاً شامل قهوه و چای بود؛ ارزش این صادرات در سال ۱۹۹۹ تنها حدود ۵۵ میلیون دلار بود (Brenton & Hoppe, 2006). با اجرای آگوا، کنیا به یکی از نمونه‌های به ظاهر موفق بدل شد. صادرات پوشاک این کشور در سال ۲۰۲۳ به ۶۵۰ میلیون دلار رسید (USTR, 2023). اما این «موفقیت» بیشتر بر پایه واردات پارچه‌های ارزان‌قیمت از آسیا و دوخت آن برای بازار آمریکا بنا شده است، نه توسعه واقعی صنعت نساجی بومی. در واقع، کنیا به حلقه‌ای کم‌هزینه در زنجیره ارزش جهانی بدل شد که منافع اصلی آن نصیب شرکت‌های آمریکایی و آسیایی می‌شود. ضعف زیرساختی و هزینه بالای انرژی همچنان مانع از استقلال صنعتی این کشور است.

آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی پیش از اجرای آگوا نیز به دلیل ساختار اقتصادی متنوع جایگاه برجسته‌تری نسبت به سایر کشورهای آفریقایی داشت. با اجرای این قانون، صادرات غیرنفتی آن به آمریکا در سال ۲۰۲۳ به حدود ۲.۳ میلیارد دلار رسید و طیفی از محصولات از خودرو تا فلزات فرآوری‌شده را دربر گرفت (USTR, 2023). هرچند این کشور در حوزه خدمات، به‌ویژه فناوری اطلاعات، پیشرفت‌هایی داشته است، اما نرخ بیکاری بالا (حدود ۳۰ درصد) نشان می‌دهد که بهره‌مندی از آگوا به ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و فراگیر منجر نشده است. در واقع، صادرات متنوع آفریقای جنوبی بیشتر پاسخگوی نیازهای ایالات متحده بوده تا ابزاری برای حل مشکلات ساختاری این کشور.

نیجریه

پیش از آگوا، صادرات نیجریه به آمریکا تقریباً به‌طور کامل بر نفت خام متکی بود و بیش از ۹۰ درصد صادرات آن به ایالات متحده را نفت تشکیل می‌داد. (World Bank, 2004) با وجود فرصت‌های آگوا، تنوع‌بخشی صادراتی همچنان محقق نشده است. در سال ۲۰۲۳، ارزش صادرات نفتی نیجریه به آمریکا حدود ۱.۵ میلیارد دلار گزارش شد. (Mat, 2024) ابتکارهایی مانند *Prosper Africa* در بخش کشاورزی مطرح شده‌اند، اما ضعف نهادی و فساد ساختاری، در کنار تمرکز آمریکا بر تضمین دسترسی به منابع انرژی، مانع از هرگونه تحول بنیادین در اقتصاد صادراتی این کشور شده است. به بیان دیگر، نیجریه همچنان در نقش «تأمین‌کننده نفت» برای آمریکا باقی مانده است.

غنا

غنا نیز پیش از آگوا عمدتاً صادرکننده مواد خام کشاورزی مانند کاکائو بود. (Whitfield, 2010) با بهره‌گیری از این قانون، صادرات این کشور در حوزه‌های کشاورزی و انرژی‌های تجدیدپذیر رشد یافته است؛ به‌طور مثال، ظرفیت انرژی خورشیدی در سال ۲۰۱۸ به ۶۴ مگاوات رسید. (IRENA, 2019) با این حال، ضعف زیرساختی و محدودیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی باعث شده است که این پیشرفت‌ها مقطعی و شکننده باشند. صادرات محصولات کشاورزی به آمریکا بیشتر تداوم همان الگوی سنتی است تأمین مواد خام اولیه برای صنایع غذایی خارجی نه توسعه صنایع تبدیلی داخلی.

اتیوپی

پیش از اجرای آگوا، صادرات اتیوپی به آمریکا عمدتاً محدود به قهوه و محصولات سنتی بود. (Oqubay, 2015) با اجرای این قانون، اتیوپی به یکی از مراکز نوظهور تولید پوشاک تبدیل شد و سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی جذب کرد. اما این تحول وابسته به شرایط سیاسی و تصمیم‌های واشنگتن باقی ماند. در سال ۲۰۲۱، آمریکا به بهانه نقض حقوق بشر، اتیوپی را از فهرست واجد شرایط حذف کرد. (USTR, 2021) این تصمیم به سرعت صادرات پوشاک را سقوط داد و سرمایه‌گذاری‌های خارجی متوقف شدند. چنین وضعیتی نشان می‌دهد که موفقیت‌های ناشی از آگوا نه تنها پایدار نیستند، بلکه کاملاً تحت کنترل سیاسی ایالات متحده قرار دارند. بررسی کشورهایی مانند کنیا، آفریقای جنوبی، نیجریه، غنا و اتیوپی نشان می‌دهد که موفقیت‌های ظاهری آگوا در عمل بیشتر در خدمت منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایالات متحده

است. از پوشاک کنیا گرفته تا نفت نیجریه و مواد خام کشاورزی غنا، همگی بیانگر استمرار الگوی قدیمی وابستگی آفریقا به صادرات مواد اولیه و تمرکز آمریکا بر تضمین دسترسی به این منابع هستند. حتی در مواردی که صنایع نوظهور شکل گرفته‌اند، شکنندگی و وابستگی شدید آنها به سیاست‌های واشنگتن آشکار است. به این ترتیب، آگوا نه ابزاری برای رهایی آفریقا از چرخه وابستگی، بلکه چارچوبی برای بازتولید همان وابستگی در قالبی جدید و ظاهراً «برد-برد» است.

مقایسه تطبیقی: فرصت‌ها و محدودیت‌های آگوا در کشورهای منتخب

مطالعه تطبیقی کشورهای منتخب نشان می‌دهد که آگوا توانسته است در برخی کشورها مانند کنیا و آفریقای جنوبی زمینه‌ای برای تغییرات نسبی در الگوی صادراتی ایجاد کند و سهم صنایع غیر سنتی را در صادرات به آمریکا افزایش دهد. با این حال، این دستاوردها نسبی و محدود به بخش‌هایی هستند که برای بازار آمریکا اهمیت استراتژیک دارند، و نه نشانگر توسعه پایدار یا توانمندسازی جامع اقتصادی.

در مقابل، کشورهایی چون نیجریه همچنان گرفتار وابستگی به منابع طبیعی و نفت هستند؛ این وضعیت نمایانگر محدودیت ظرفیت نهادی، ضعف زیرساخت‌ها و ناتوانی در بهره‌گیری از فرصت‌های آگوا است. کشورهایی مانند غنا و اتیوپی نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهند حتی تلاش‌های توسعه‌ای و منطقه‌ای برای تنوع‌بخشی به صادرات، به ثبات سیاسی، اصلاحات نهادی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها وابسته است و بدون این عوامل، مزایای آگوا به‌طور کامل محقق نمی‌شود. به طور کلی، آگوا بستر مهمی برای ایجاد تحول صادراتی فراهم کرده، اما اثرگذاری واقعی آن محدود به ظرفیت داخلی کشورها و هماهنگی با منافع استراتژیک آمریکا است.

- کنیا و آفریقای جنوبی با افزایش صادرات غیرنفتی (به ترتیب ۶۵۰ میلیون و ۲۰۳ میلیارد دلار در ۲۰۲۳) توانسته‌اند تا حدی تنوع صادراتی را گسترش دهند، اما این تنوع به بخش‌های محدود و بازارمحور آمریکا محدود می‌شود.

- نیجریه و اتیوپی همچنان وابستگی شدید به صادرات نفت و مواد خام دارند، که نشان‌دهنده استمرار الگوی وابستگی اقتصادی و محدودیت توسعه داخلی است.

– غنا نمونه‌ای از اثر ترکیبی آگوا و تلاش‌های منطقه‌ای برای تنوع‌بخشی به اقتصاد است، اما محدودیت‌های لجستیکی، زیرساختی و نهادی مانع از بهره‌برداری کامل از فرصت‌ها شده است.

در مجموع، این مقایسه نشان می‌دهد که آگوا فرصت‌های صادراتی محدود و ناهمگن ایجاد کرده و نمی‌تواند به تنهایی عامل توسعه پایدار یا کاهش وابستگی آفریقا به منابع طبیعی و بازارهای خارجی باشد. تحقق مزایای واقعی مستلزم اصلاحات داخلی و توسعه ظرفیت‌های نهادی و زیرساختی است، در غیر این صورت، این قانون بیش از آنکه ابزار توانمندسازی باشد، وسیله‌ای برای استمرار وابستگی و تأمین منافع راهبردی آمریکا باقی می‌ماند.

مقایسه وضعیت صادرات کشورهای منتخب به آمریکا پیش و پس از آگوا

کشور	آگوا وضعیت پیش از (پیش از ۲۰۰۰)	آگوا وضعیت پس از (۲۰۲۳)	تحلیل تغییرات
کنیا	تنوع و رشد چشمگیر صادرات؛ بهره‌گیری از قوانین مبدأ	میلیون دلار (بخش ۶۵۰ پوشاک)	میلیون دلار صادرات عمدتاً ۵۵ کشاورزی
آفریقای جنوبی	گسترش سبد صادراتی و نقش پررنگ‌تر در اقتصاد آمریکا	میلیارد دلار شامل ۲.۳ خودرو، معادن، نساجی	صادرات محدود معدنی و کشاورزی
نیجریه	تداوم وابستگی به نفت؛ تنوع‌سازی اندک	میلیارد دلار نفتی ۱.۵	بیش از ۹۰٪ صادرات نفتی
غنا	حرکت تدریجی به سمت بخش‌های نوظهور، اما محدودیت زیرساختی	افزایش صادرات کشاورزی و انرژی‌های تجدیدپذیر	صادرات سنتی کاکائو و محصولات کشاورزی
اتیوپی	AGOA نشان‌دهنده نقش در توسعه صنایع نوظهور و آسیب‌پذیری در برابر تحولات سیاسی	رشد نساجی تا پیش از ۲۰۲۱؛ سپس افت شدید	صادرات محدود کشاورزی (قهوه)

منبع: agoa.info/data/bilateral-trade-data

نتیجه‌گیری

تحلیل روابط ایالات متحده و آفریقا نشان می‌دهد که این تعامل، فرآیندی پیچیده، چندوجهی و تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و جهانی بوده است. روابط آمریکا و کشورهای جنوب صحرائی آفریقا نه مسیر خطی و ثابت، بلکه جریان سینوسی با فراز و نشیب‌های قابل توجه را طی کرده است که عمدتاً تحت تأثیر منافع امنیتی، اقتصادی، فشارهای داخلی و رقابت ژئوپلیتیکی شکل گرفته است.

بر پایه لیبرالیسم نهادی، نهادها و قواعد بین‌المللی نقش کلیدی در تسهیل همکاری اقتصادی و کاهش هزینه‌های معاملاتی دارند. آگوا به عنوان یک چارچوب نهادی، با ارائه دسترسی بدون تعرفه به بازار ایالات متحده، فرصت‌هایی برای افزایش صادرات غیرنفتی و تنوع اقتصادی فراهم کرده است. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که این فرصت‌ها بیشتر در خدمت منافع راهبردی آمریکا بوده و بهره‌برداری واقعی تنها در کشورهایی با ظرفیت نهادی و زیرساخت کافی ممکن بوده است.

سیاست آمریکا در آفریقا نمونه‌ای از هم‌آمیزی لیبرالیسم و ژئوپلیتیک به نفع اهداف قدرت جهانی است. ابزارهای اقتصادی و نهادهای لیبرال، به جای اینکه صرفاً به توسعه پایدار آفریقا کمک کنند، در خدمت تثبیت نفوذ، کنترل منابع و رقابت با قدرت‌های نوظهور عمل می‌کنند. در عمل، شعارهای توسعه و دموکراسی‌سازی بیش از آنکه هدف اصلی باشند، پوششی برای اهداف ژئوپلیتیک و اقتصادی و اشنگتن هستند.

افزون بر این موانع ساختاری، شامل دسترسی محدود به برق، هزینه‌های بالای حمل‌ونقل، ضعف نهادهای محلی و نبود استراتژی‌های ملی، مانع تحقق کامل پتانسیل آگوا شده‌اند. به علاوه، رقابت با چین، هند و اتحادیه اروپا در حوزه سرمایه‌گذاری و زیرساخت، فشار مضاعفی بر کشورهای آفریقایی وارد کرده و نشان می‌دهد که مزایای آگوا بدون توجه به ظرفیت‌های داخلی و هماهنگی منطقه‌ای، محدود و نابرابر باقی می‌ماند.

تحلیل‌ها نشان داد که هماهنگی آگوا با سازوکارهای منطقه‌ای مانند AfCFTA و ادغام با برنامه‌های توسعه‌ای آمریکا نظیر Prosper Africa می‌تواند اثرگذاری اقتصادی را افزایش دهد. با این حال، بدون اصلاحات نهادی و تقویت زیرساخت‌ها، این هماهنگی به جای توانمندسازی، بیشتر به استمرار وابستگی و کنترل منابع کمک می‌کند.

بنابراین، روابط اقتصادی آمریکا و آفریقا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ تحت تأثیر آگوا دچار تحول شده، اما این تحول ناهمگن، محدود و عمدتاً در خدمت منافع راهبردی آمریکا بوده است.

منابع و مأخذ

- Biden White House. (2022, December 14). *FACT SHEET: New Initiative on Digital Transformation with Africa*. Retrieved from <https://bidenwhitehouse.archives.gov/briefing-room/statements-releases/2022/12/14/fact-sheet-new-initiative-on-digital-transformation-with-africa-dta/>
- U.S. Department of State. (2018, December). *The Trump Administration's Africa Strategy*. Retrieved from <https://democracy-africa.org/wp-content/uploads/2019/04/The-Trump-Administration-Strategy-on-Africa.pdf>
- U.S. Department of State. (2022, December). *Digital Transformation with Africa*. Retrieved from <https://2021-2025.state.gov/digital-transformation-with-africa>
- Ruggie, J. G. (1982). International regimes, transactions, and change: Embedded liberalism in the postwar economic order. *International Organization*, 36(2), 379–415. <https://doi.org/10.1017/S0020818300018993>
- Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1977). *Power and interdependence: World politics in transition*. Little, Brown and Company.
- Aicardi de Saint Paul, M. (1994). U.S. foreign policy in Africa: A historical perspective. *Journal of African Studies*, 12(3), 45–60.
- Schraeder, P. J. (1994). *United States foreign policy toward Africa: Incrementalism, crisis, and change*. Cambridge University Press.
- Lyman, P. N. (2002). Africa in U.S. security strategy. *Foreign Affairs*, 81(5), 25–40.
- Moss, T. (2011). AFRICOM and U.S. military engagement in Africa. Center for Global Development.
- Meenkhaus, K. (2007). The light footprint strategy in Africa. *Strategic Studies Quarterly*, 1(2), 15–30.
- International Trade Commission (ITC). (2024). *Trade statistics for Sub-Saharan Africa*. Washington, DC: ITC.
- Katrine, T. (2023). The economic impact of AGOA. *Global Trade Review*, 15(2), 70–140.
- Mat, L. (2024). Export trends under AGOA. *Trade Analysis Journal*, 10(1), 80–95.
- ShareAmerica. (2021). *African Growth and Opportunity Act: Promoting trade and human rights*. U.S. Department of State.
- Euronews. (2019). *South Africa's investment drive*. <https://www.euronews.com>
- Agoa.info. (2023). *Trade data between AGOA countries and the United States*. Retrieved from <https://agoa.info>
- Congressional Research Service (CRS). (2022). *African Growth and Opportunity Act (AGOA): Background and reauthorization*. Washington, DC: CRS.
- Reuters. (2025, April 3). *The US-Africa trade programme under threat from Trump tariffs*. <https://www.reuters.com/world/africa/us-africa-trade-programme-under-threat-trump-tariffs-2025-04-03/>
- The Guardian. (2025, April 4). *'Only job I know': Tiny Lesotho's garment workers reel from Trump's 50% tariffs*. <https://www.theguardian.com>
- U.S. International Trade Commission (USITC). (2020). *AGOA: Economic impact and future prospects*. Washington, DC: USITC.
- United States Trade Representative (USTR). (2016). *Biennial report on the implementation of the African Growth and Opportunity Act*. Washington, DC.
- United States Trade Representative (USTR). (2022). *AGOA trade fact sheet*. Washington, DC.

- United States Trade Representative (USTR). (2023). *Biennial report on the implementation of AGOA*. Washington, DC.
- United States Trade Representative (USTR). (2024). *Biennial report on the implementation of AGOA*. Washington, DC.
- Washington Post. (2025, April 16). *Save America's great link to Africa*. <https://www.washingtonpost.com/opinions/2025/04/16/africa-agoa-trade-tariffs-lesotho/>
- World Bank. (2023). *Africa's pulse: An analysis of issues shaping Africa's economic future*. Washington, DC: World Bank.
- Brenton, P., & Hoppe, M. (2006). *The African Growth and Opportunity Act, exports, and development in Sub-Saharan Africa*. World Bank.
- Flatters, F. (2002). *The economics of the US–Africa trade and development act*. *Southern African Regional Poverty Network*.
- International Renewable Energy Agency (IRENA). (2019). *Renewable energy statistics*. Abu Dhabi: IRENA.
- Mat, A. (2024). Nigeria's oil exports and diversification challenges. *Journal of African Trade*, 11(2), 45–63.
- Oqubay, A. (2015). *Made in Africa: Industrial policy in Ethiopia*. Oxford University Press.
- Office of the United States Trade Representative (USTR). (2021). *Ethiopia's termination from AGOA eligibility*. Washington, DC.
- Whitfield, L. (2010). The state elite, PRSPs and policy implementation in aid-dependent Ghana. *Third World Quarterly*, 31(5), 721–737.
- World Bank. (2004). *Patterns of Africa-U.S. trade*. Washington, DC: World Bank.
- African Development Bank (AfDB). (2023). *Africa economic outlook 2023*. Abidjan: AfDB.
- U.S. Department of State. (2022). *U.S. strategy for Sub-Saharan Africa*. Washington, DC.
- McKinsey & Company. (2023). *Africa's business revolution*. McKinsey Global Institute.
- EcoIran. (2024). *Africa trade opportunities*. <https://www.ecoiran.com>
- Klare, M. (2023). Strategic minerals and U.S. foreign policy in Africa. *Foreign Affairs*, 102(2), 78–89.
- Schneidman, W., McNulty, J., & Dicharry, D. (2021). *The future of the African Growth and Opportunity Act: Looking beyond 2025*. Brookings Institution. <https://www.brookings.edu>
- Tai, K. (2023). *Statement by the U.S. trade representative on AGOA*. Office of the United States Trade Representative. <https://ustr.gov>
- Katrine, T. (2020). AGOA and Africa's economic future: Policy and partnership. *African Policy Review*, 12(3), 45–61.
- Janson, R. (2022). *Prosper Africa: Reframing U.S.–Africa economic engagement*. CSIS. <https://www.csis.org>
- Mat, B. (2024). Africa's trade integration and the future of AGOA. *African Development Review*, 36(1), 22–39.
- Smit, J. (2021). Climate justice and strategic competition: The green transition in U.S.-Africa relations. *Environmental Politics*, 30(4), 601–619.
- Williams, P. (2007). The militarization of U.S. Africa policy: AFRICOM and beyond. *Third World Quarterly*, 29(1), 35–51.
- The White House. (2022). *U.S. strategy toward Sub-Saharan Africa*. <https://www.whitehouse.gov>
- UNCTAD. (2024). *World investment report: Africa section*. Geneva: United Nations.
- South African Reserve Bank. (2023). *Unemployment and growth trends*. Pretoria: SARB.

- Kenya Ministry of Trade. (2023). *Export performance under AGOA*. Nairobi: Government of Kenya.
- China-Africa Research Initiative (CARI). (2023). *Chinese infrastructure projects in Africa*. Johns Hopkins University. <https://sais-cari.org>
- Ghana Energy Commission. (2018). *Renewable energy statistics*. Accra: GEC.
- U.S. Department of Commerce. (2022). *Prosper Africa program overview*. Washington, DC.
- African Union. (2020). *Digital transformation strategy for Africa (2020–2030)*. Addis Ababa: AU.
- African Development Bank. (2023). *Electricity access in Sub-Saharan Africa*. Abidjan: AfDB.
- USAID. (2023). *Prosper Africa in Nigeria: Agricultural investment initiatives*. Washington, DC.
- BFT Online. (2025, February 24). *AGOAs impending challenges: How Sub-Saharan Africa can reclaim agency in global trade*. <https://thebftonline.com>
- Carnegie Endowment for International Peace. (2023, October). *How can African countries participate in US clean energy supply chains?* <https://carnegieendowment.org>
- Council on Foreign Relations. (2025). *China in Africa: May 2025*. <https://www.cfr.org>
- Financial Times. (2025). *EU-Africa relations and trade cooperation*. <https://www.ft.com>
- U.S. Trade Representative. (2025). *African Growth and Opportunity Act (AGOAs)*. <https://ustr.gov>
- Washington Post. (2025, August 13). *Trump's tariffs are sparking ...* [incomplete reference].
- Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). *Why nations fail: The origins of power, prosperity, and poverty*. New York: Crown Business.
- Nye, J. S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. New York: PublicAffairs.
- Rath, J. (2010). *Institutional liberalism and international political economy*. London: Routledge.
- Norman, D. (2015). *Institutions and economic development: A liberal perspective*. Cambridge: Cambridge University Press.